

خبر

دومین شکست متوالی کلباء

داوری علیه مجیدی

به نظر می‌رسد اتحاد کلباء دوباره به روند گذشته برگشته و به جای پیروزی مقابل حریفان خود شکست می‌خورد. این هفته اتحاد کلباء موفق نشد

برتری یک بر صفر برابر بنی یاس را حفظ کند و شاگردان مجیدی در نهایت با گل دقیقه ۹۴ حریفان تن به شکست دادند؛ مسابقه‌ای که با یک پنالتی عجیب و اخراجی عجیب‌تر، روندش به طور کلی دگرگون شد. در دیداری از هفته دوازدهم دنوک لیگ، کلباء در استادיום الشامخه میهمان بنی یاس بود. گل نخست بازی توسط فیلیپ کیس به ثمر رسید.

پس از اینکه این بازیکن در پشت محوطه جریمه صاحب توپ شد، ضربه‌اش را روانه دروازه کرد که توپ به زیبایی وارد دروازه شد.

در دقیقه ۵۲، کرنر ارسالی بازیکنان بنی یاس به روی دروازه، با ضربه سر سلطان عادل دور شد. در ادامه کمک داور ویدیویی از قاضی میدان خواست تا برای بررسی صحنه به کنار زمین برود و داور نیز تصمیم بسیار سختگیرانه‌ای گرفت و ضمن اعلام پنالتی، بازیکن کلباء را با کارت زرد دوم اخراج کرد که تلاوت صفری آن را به گل تساوی تیمش تبدیل کرد. در دقیقه ۹۴ نیز بنی یاس موفق به زدن گل پیروزی شد. در نهایت این بازی با پیروزی ۲ بر یک بنی یاس به پایان رسید. کلباء با همان ۱۲ امتیاز از ۱۲ مسابقه در رتبه دهم جدول رده‌بندی باقی ماند که البته در صورت پیروزی رقیب، ممکن است جایگاه این تیم تنزل پیدا کند. این دومین شکست متوالی اتحاد کلباء بود.

درآمدزایی به روش فاینورد

جدایی جهانی بخش؛ حرفه‌ای و منطقه‌ای

سایت «msn» در مطلبی به وضعیت علیرضا جهانی بخش پرداخته و اعلام کرده که او به زودی از این تیم جدا خواهد شد. در مطلب این سایت آمده است: «قرارداد این بازیکن ایرانی با فاینورد رو به اتمام است و مدیران و کادر فنی این تیم حاضر به تمدید قرارداد با جهانی بخش نیستند و به زودی این بازی به درهای خروجی فاینورد نزدیک خواهد شد. توافق جهانی بخش به گونه‌ای بود که او می‌توانست با رضایت مدیران باشگاه قرارداد خود را تا یک فصل دیگر تمدید کند اما آنها چنین کاری نخواهند کرد.»

جهانی بخش در سال ۲۰۲۱ با قراردادی به ارزش یک میلیون یورو از برایتون انگلیس راهی فاینورد شد و در تابستان گذشته هم چند پیشنهاد از تیم‌های دیگر دریافت کرد اما ترجیح داد به قراردادش با فاینورد وفادار بماند و رؤیای بازی در لیگ قهرمانان اروپا را به واقعیت تبدیل کند. نکته مهم اینکه قرارداد علیرضا در پایان فصل تمام می‌شود و فاینورد برای اینکه از فروش او درآمدزایی کند، در نقل و انتقالات زمستانی باید دست به کار شود. بنابراین جدایی احتمالی جهانی بخش از فاینورد نه تنها موضوع عجیبی نیست، بلکه حرفه‌ای است و برای باشگاه‌های اروپایی یک روال همیشه‌گی.

ششمین گل فصل طارمی

پنالتی‌زنِ من توپ‌ساز

مهدی طارمی پس از نمایش ضعیف تیم پورتو در بازی حساس لیگ برتر پرتغال مقابل اسپورتینگ لیسبون که تیمش با نتیجه دو بر صفر شکست خورد و یک پاس گل او هم در بازی بیینی ویدیویی رد شد، در رقابت‌های لیگ کاپ مثل بسیاری از نفرات اصلی تیمش با نظر سرخیو کونسیسانو در ترکیب اولیه قرار نگرفت ولی به‌عنوان باز جانشین به زمین آمد و برد را برای اژدها رقم زد. وقتی بازی با تساوی یک بر یک دنبال می‌شد و کونسیسانو با وجود سه تغییر هجومی نتوانست به خواسته‌اش برسد، مهدی طارمی را در دقیقه ۶۷ به زمین آورد. طارمی در دقیقه ۸۵ پنالتی به دست آمده برای پورتو را با شوت محکم به گوشه دروازه تبدیل به گل کرد.

سرخیو کونسیسانو در حالی پنالتی به دست آمده برای پورتو پس از خط روی او اوانلیسون را به تحویل مهدی طارمی داد که تصور می‌شد توپ را به بازیکن دیگری بدهد، اما دوباره به ستاره ایرانی اش اعتماد کرد و او هم توانست با شوت محکم به سمت راست خود و دور از دستان گلر حریفان، دروازه لیکسونس را باز کند. طارمی که آخرین بار در هفته دهم لیگ برتر پرتغال پشت ضربه پنالتی برای پورتو قرار گرفته و در شب شکست یک بر صفر و غیرمنتظره تیمش مقابل استوریل پنالتی خراب کرده بود، پس از مدت‌ها دوباره با نظر کونسیسانو پنالتی‌زن اول تیمش شد و به بهترین شکل آن را تبدیل به گل کرد. ستاره ایرانی پورتو که آخرین گل خود از روی نقطه پنالتی را در هفته نهم لیگ برتر پرتغال مقابل ویزلا به ثمر رسانده بود، پس از هدر دادن پنالتی برابر استوریل، در هفته چهارم لیگ قهرمانان اروپا که تیمش برابر رویال آنتورپ بلژیک صاحب پنالتی شد، پشت ضربه قرار گرفت و اتفاق غیرمنتظره‌ای در آن زمان رخ داد. در جدال با لیکسونس اما طارمی دوباره پنالتی زد و منجر به برتری دو بر یک تیمش شد. طارمی که پیش از این در ۱۴ مسابقه لیگ برتر پرتغال ۳ گل به ثمر رسانده و یک پاس گل داده بود و در ۶ بازی لیگ قهرمانان اروپا هم ۲ گل و ۲ پاس گل داشت، توانست برابر لیکسونس اولین گل خود در فصل ۲۴-۲۰۲۳ لیگ کاپ را هم بزند.

مربیان در فوتبال ایران بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟

تغییراتی به نفع ایجنت‌ها!

حامد جبرودی

روژنامه نگار

تغییرات در لیگ برتر فوتبال ایران به گونه‌ای است که دود از کله آدم بلند می‌کند!

لیگ بیست و سوم در حالی هنوز به نیم‌فصل

خود نرسیده که چهار تیم از ۱۶ تیم لیگ برتر دست به تغییر نیمکت‌های خود زده‌اند.

فولاد اولین تیمی بود که پس از پایان هفته سوم، به همکاری اش با علیرضا منصوریان پایان

داد و پس از آن هم پیکان با اینکه قرارداد رسول خطیبی را تمدید کرده بود، پس از ۱۰ هفته او را

برکنار کرد. در پایان بازی‌های هفته سیزدهم هم صبر باشگاه‌های نساجی و هوادار لبریز شد و آنها

پس از شکست‌های سنگینی که داشتند، با سیدمهدی رحمتی و محمود فکری قطع همکاری کردند.

این تغییرات شاید زود هنگام باشد ولی ممکن است در لیگ‌های دیگر نیز رخ دهد و تا حدودی طبیعی به

نظر می‌رسد اما اتفاقی که دوستانداران فوتبال ایران را متعجب می‌کند، چرخه معیوبی است که تنها تعداد

محدودی مربی را در دل خود جای می‌دهد. وقتی به اسامی سرمربیان شاغل در لیگ برتر نگاه می‌کنید، به

مربیان بر می‌خورید که بیشترشان تقریباً همیشه تیم دارند. از منصوریان و خطیبی گرفته تا رحمتی و فکری

و عجیب‌تر اینکه مربیانی هم که به جای آنها می‌آیند، همین ویژگی را دارند. مثل رضا عنایتی که بلافاصله پس

از حذف تیم ملی امید از بازی‌های آسیایی و نرسیدن به المپیک، سرمربی پیکان شده است. این مربیان افرادی

هستند که در زمان بازیگری‌شان جزو فوتبالیست‌های مطرح و ملی‌پوش بوده‌اند اما احتمالاً این جمله را شنیده‌اید

که هر بازیکن بزرگی الزاماً مربی بزرگ هم نمی‌شود. اما این مربیان ایرانی در صورت ناکامی هم اتفاق خاصی

برای‌شان نمی‌افتد و چند وقت بعد روی نیمکت یک تیم دیگر می‌نشینند و بعد از اخراج از آن تیم، صبر می‌کنند

تا در فاصله‌ای کم، تیم دیگری را بگیرند. حالا مسعود شجاعی که تا چند ماه پیش در هوادار بازی می‌کرد، حالا

سرمربی این تیم شده تا این تیم را از بحران خارج کند. قطعاً امیدواریم کاپیتان اسبق تیم ملی با سه دوره حضور

در جام جهانی، به یکی از مربیان موفق ایران تبدیل شود اما سؤال این است که شجاعی با چه سبقه‌ای در

مربیگری، این مسئولیت را پذیرفته است؟ آیا رحمتی که با همین رویه و در حالی که دروازه‌بان پدیده بود،

سرمربی این تیم شد، به مربی موفق تبدیل شد؟ طبیعی است که این مربیان بدون ارزیابی فنی

و معمولاً بر اساس رابطه‌ها و با معرفی ایجنت‌ها سرمربی تیم‌های لیگ برتری می‌شوند

تا تنها آنها از حضور آنها سود ببرند. تا چند سال پیش بازار مربیان کروات داغ بود

و حالا مربیان اسپانیایی در فوتبال ایران بازار پیدا کرده‌اند. جالب اینکه

فصل گذشته کارلوس هرناندز اسپانیایی شکست پشت شکست

در نساجی داشت و حالا مربی هموطن او یعنی لوکاس

آلکاراس هدایت تیم شهر خسته را عهده‌دار

شده است. شما این مدل تغییرات

را عجیب نمی‌دانید؟

اکبر منتشلو

روژنامه نگار

این روزهای لیگ برتر یعنی قبل از اینکه

نیم‌فصل اول بیست و سومین دوره لیگ

برتر فوتبال کشورمان به انتها برسد،

شاهد پوست‌اندازی نیمکت تیم‌های

مختلف این رقابت‌ها هستیم. تیم‌هایی

مثل پیکان، هوادار، مس رفسنجان و...

که حسابی اوضاع این عرصه از فوتبال را

به هم ریخته است. نکته قابل توجه در

این دوره از رقابت‌ها این است که نه تنها

تیم‌های بحران‌زده، نیمکت‌شان حسابی

متزلزل است و برخی از این تیم‌ها

سرمربیان‌شان را از دست داده‌اند، حتی

ظاهراً جایگاه سرمربی برخی از تیم‌های

موفق هم متزلزل است و هر از گاهی

جدایی این مربیان هم به گوش می‌رسد.

از چند هفته قبل صحبت از جدایی

مورایس از سپاهان به میان آمد و

همین حاشیه حسابی این تیم را از

تکلیف‌انداخت و باعث شد این تیم در

روزهای خوش، چند امتیاز را از دست

بدهد. تراکتور با وجود اینکه در بالای

جدول رده‌بندی قرار گرفته، هر لحظه

ممکن است سرمربی‌اش را از دست

بدهد و این موضوع آنقدر جدی است

که خمس از پیشنهادهای دیگری هم

روپور شده است.

پرسپولیس را با همه ضعف‌هایی که

دارد، باز هم باید جزو مدعیان دید

و تیمی است که فاصله زیادی تا

صدرجدول ندارد، اما گل‌محمدی هم

جایگاهش متزلزل است و پیش از

این صحبت‌هایی درباره آمدن برانکو

وجود داشت. این اتفاقات در حالی

رخ می‌دهد که در استقلال خوزستان

قرنشین که از ۱۳ بازی فقط ۵ امتیاز

کسب کرده است، خبری از تغییرات

روی نیمکت نیست و شرایط بسیار بد

این تیم در روزهای پایانی نیم‌فصل اول،

سیدسیروس موسوی، همچنان جایگاه

مربیان که مربیگری نکرده‌اند

چرخه معیوب

است یا

مافیا؟

مطمئن نباشم. هر چند می‌توان این

شرایط را برای استقلال خوزستان استننا

دانست، اما این به همین ریختگی در

عرصه مربیگری معلول چه دلیلی است؟

آیا باید همچنان به چرخه معیوب و دور

باطل مربیگری در فوتبال اشاره کرد و یا

باز هم بحث همیشگی مافیا در عرصه

مربیگری را پیش کشید؟ تا کجا می‌توان

برای این دو موضوع که گاه حرف‌هایی

درباره آنها شنیده می‌شود، عرصه عمل

قائل شد؟ به نظر می‌رسد باید برای

رسیدن به دلایل واقعی این وضعیت

مربیان در لیگ برتر، به هر دو مورد نگاه

جدی داشت. هر چند همچنان چرخه

معیوب مربیگری در فوتبال را می‌توان

عامل اصلی این وضعیت به هم ریخته

در مربیگری فوتبال دانست، اما نباید

نسبت به موضوع مافیا هم بی‌تفاوت

بود. چرخه معیوب این عرصه از آنجایی

شروع می‌شود که یک بازیکن بلافاصله

بعد از کنار گذاشتن فوتبال تلاش می‌کند

در لیگ برتر، هدایت تیمی را برعهده

بگیرد و حتی برخی‌ها پا را فراتر گذاشته

و همان اول به دنبال گرفتن نیمکت

تیم‌های مطرح هستند، که به طور

طبیعی این دستیابی به نیمکت‌ها،

بدون حرف و حدیث نخواهد بود. چرا

که در صورت وجود یک چرخه طبیعی،

عاقلانه است که بازیکنان بازنشسته‌ای

که علاقه مند به مربیگری هستند،

علاوه بر کسب دانش این عرصه که

قطعاً زمان‌بر خواهد بود، در این زمینه

تجربه‌هایی را هم در سایر مقاطع

فوتبال کسب و بعداً به لیگ برتر وارد

خودش ادامه می‌دهد.